



قاعده تلف کالا ۳ (حکم نمائات حاصل از مبیع)

پیرامون قاعده تلف مال نکات زیادی وجود دارد که می توان آن را ذکر کرد. یکی از آنان مسئله ای است تحت این عنوان که حکم نمائات حاصل از مبیع در این مدت چیست؟ توضیح این که در فقه اسلامی نمائات در واقع فواید حاصله از ملکیت یک شی است.

پیرامون قاعده تلف مال نکات زیادی وجود دارد که می توان آن را ذکر کرد. یکی از آنان مسئله ای است تحت این عنوان که حکم نمائات حاصل از مبیع در این مدت چیست؟ توضیح این که در فقه اسلامی نمائات در واقع فواید حاصله از ملکیت یک شی است. به عنوان مثال زمانی که فرد یک گوسفند را می خرد، شیری که این گوسفند برای خریدار دارد حکم نما است. یا مثلاً بچه ای که می زاید در حکم نما آن گوسفند است. حال بحث این است که فرض کنیم فردی یک گوسفند را خریداری کرده است، اما آن را به هر ترتیب قبض نکرده است (تحويل نگرفته است). در این مدت گوسفند هر روز چند کیلو شیر داده است، اما سه روز بعد که مشتری می آید تا گوسفند را ببرد، متوجه می شود که بر اثر یک بیماری تلف شده است. گفته شد که خسارت تلف شدن این مبیع (همان گوسفند) بر عهده فروشنده است و این به تفصیل بحث شد. یعنی



امام رضا (ع)
یک جنگ تمام عیار اقتصادی است که متوجه ملت ما است.
علت آن هم، نه مسئله ای هسته ای است، نه مسئله ای حقوق بشر است،
نه مسایل دیگری از این قبیل است؛ علت آن را خود آنها هم می دانند،
ما هم می دانیم... علت، استقلال خواهی ملت ایران است.



باید فروشنده پول گوسفند را به مشتری برگرداند، اما سؤال این جاست که نمائت این گوسفند از آن چه کسی است؟(در واقع منظور این است که این چند کیلو شیری که گوسفند در این مدت داده است مال چه کسی است؟)

در این جا بیشتر فقها حکم داده اند که نما از آن مشتری است، زیرا که قرارداد خرید و فروش (بیع) صورت پذیرفته است. بدین معنی که مشتری آن زمانی که گوسفند را خریداری کرده است دیگر مالک آن شده است و اینکه پیش فروشنده به صورت امانت بوده است. بنابراین کل نمائی هم که در این مدت حاصل شده است از آن مشتری است، اگرچه که خسارت اصل کالا یا همان گوسفندی که تلف شده است از جیب فروشنده می رود. بنابراین مشتری شیر تولید شده را در این مدت تحویل گرفته و پولی هم که بابت گوسفند تلف شده پرداخت کرده بود را از خریدار تحویل می گیرد. همانطور که قبلا هم گفته شد تمامی حالات ذکر شده در ذیل قاعده تلف با این فرض است که عمدی در کار نبوده و این تلف شدن به وسیله کسی به صورت عمدی رخ نداده باشد. چرا که اگر این کار عمدی باشد قطعاً جبران خسارت به عهده کسی است که آن را انجام داده است، حال مشتری باشد یا فروشنده فرقی نمی کند. باید خسارت را جبران کند. این از مصادیق قاعده خارج است.



یک جنگ تمام عیار اقتصادی است که متوجه ملت ما است. علت آن هم، نه مسئله ی هسته ای است، نه مسئله ی حقوق بشر است، نه مسایل دیگری از این قبیل است؛ علت آن را خود آنها هم می دانند، ما هم می دانیم... علت، استقلال خواهی ملت ایران است.

